

بحران فراگیر سرمایه، نقد اقتصاد سرمایه‌داری⁽¹⁾

(۱۲)

از آنجا که آزادی درک ضرورت است و ضرورت به پشتوانه‌ی آگاهی و مفاهیم عینی تحقق می‌یابد، از این روی هرگونه کاربرد مفاهیم و نوشتاری از حلقه استکھلم، بدون آوردن نام، نیز آزاد است.

در پیوستار بررسی بحران اقتصادی مناسبات سرمایه‌داری، این نوشتار به بحران سرمایه در اروپا، اختلافات درون خانوادگی این بلوک، نقش سرمایه مالی، تلاش کارگزاران در دولت و سیاست سرمایه برای مهار سونامی بحران و چشم اندازهای آن می‌پردازد.

اختلافات درون خانوادگی سرمایه، اتحادیه اروپا را به رویارویی با اتحادیه اروپا برانگیخته است. بحران مناسبات سرمایه‌داری، زیر نام بحران مالی، جهان سوز، دولت‌های سرمایه را پریشان ساخته است. خواب از چشمان صاحبان سرمایه و تمامی کارگزاران مناسبات حاکم گرفته است. کابوس اعتصاب‌های سراسری، اعتراض، قیام و شیپور انقلاب، هر شبه به بالین‌شان می‌رود و رؤیاهای فرمانروایی جاودانه، و افسانه‌ی «پایان تاریخ» فوکویاما، دولت پیروز و نوستالژی گذشته‌اشان را به پریشان‌روزی تبدیل کرده است. دولت‌های پیرامونی یکی در پی دیگری واژگون و دولت‌های متروپل سرمایه، سراسیمه جابجا می‌شوند. خیابان‌ها از فریاد تسخیر و الاستریت‌ها سرشار است. آنتی کاپیتالیست‌ها در میدان‌ها و بندرگاه‌ها، باریگادهای نو بر پا می‌کنند. اکنون، افزون بر هزار کلان‌شهرهای جهان، آغازگر تجربه‌ی خرد جمعی نیروهای اعتراض هستند. در نبود راهبری سازمان‌یافته نیروی کار جهانی، خیزش ضد سرمایه‌داری می‌کوشد تا پتانسیل اعتراضی را به پویه مندی

¹ بخش‌های ۴-۱ این نوشتار از جمله در سایت‌های زیر بازتاب یافته‌اند (با پوشش از دست‌اندر کاران سایت‌های دیگری که از بازتاب این نوشتار از سوی آنها بی‌خبریم):

سایت‌های <http://www.pezhvakeiran.com/page1.php?id=28834>, www.communshoura.com, [http://www.gozareshgar.com/10.html?&tx_ttnews\[tt_news\]=11727&tx_ttnews\[backPid\]=23](http://www.gozareshgar.com/10.html?&tx_ttnews[tt_news]=11727&tx_ttnews[backPid]=23) &cHash=f258e91d6f, http://www.ofros.com/maghale/mansoran_bohran.htm, <http://www.tipf.info/bohrane,sakhtare,sarmaei>.

کنشگرانه‌ی انسانی پیوند زند، و از قوه به فعل درآورد. در یونان، ایتالیا و اسپانیا در ماه گذشته، سه دولت جابجا شد. پیش از آنها دولت پرتغال ناچار به کناره گیری شده بود. سیاستمداران کلاسیک، به کناره رفتند و فن‌سالاران سرمایه مالی، به مصلحت نظام و به کارگزینی، برای نخستین بار در تاریخ بر هرم قدرت سیاسی سرمایه نشستند. فرانسه نیز از جمله در راه چنین جابجایی است. بحران بدهی‌های اصل و فرع به هم افزوده شده و ورشکستگی کشورها را به بار آورده است. بانک‌ها و بنیادهای مالی و خارج شدن سرمایه از کنترل، ورشکستگی بسیاری از مراکز تولیدی و مالی و سوداگری، دولت‌های سرمایه را به رویارویی هم کشانیده است. سراسر «سوپرمارکت»، بازار سرمایه، از بورس و سرمایه مالی گرفته تا تولید و مبادله و سوداگری در گرداب افتاده است. بلوک‌های سرمایه تکه پاره می‌شوند. شکست در پی شکست و نشست در پی نشست، از پاریس تا بروکسل، از لندن تا برلین، کشورهای هشت و بیست، بلوک ۱۷ حوزه‌ی اورو تا ۲۷ کشورهای اتحادیه اروپا، به هم چنگ و دندان نشان می‌دهند.

یونان

در ماه نوامبر، دولت پایان‌درو، رهبر حزب «پاسوک» از مجلس رأی اعتماد گرفت تا استعفا دهد. رأی اعتماد به وی، مشروط به آن بود تا فوری استعفا دهد، زیرا که پنهانی با نمایندگان حزب خود به توافق رسیده بود تا بی درنگ استعفا دهد. دولت، کناره گرفت تا حکومت در فرمانروایی بماند. در یونان، دولت «تکنوکرات» به رهبری لوکاس پاپادیموس، رئیس پیشین بانک یونان و نایب رئیس پیشین بانک مرکزی اروپا، به نمایندگی از صندوق جهانی پول در این توفان، سکندار کشتی درهم شکسته‌ی یونان و یونان ورشکسته شد. برای این جابجایی، پایان‌درو، همانند یک سوسیال دمکرات واقعی، به مانور آمده بود و ژستی وارونه گرفت؛ با جلوه‌ای که گویا بر آن است تا شرایط تحمیلی اتحادیه اروپا را به فراندم بگذارد. «پاسوک» با ردای «سوسیالیسم» و «دمکراسی»، در پشت این مانور، پی‌آمدها را به دوش حکومت شونندگان می‌افکند. با فراندم، مردم در برابر دو گزینه، به سلاخی خویش رأی می‌دادند و از حاکمیت و اعمالش سلب مسئولیت می‌شد. با این ترفند، فلاکت و پی‌آمدهایش را خود قربانیان به گردن می‌گرفتند و به تمامی این فاجعه‌ی تاریخی به گروگان رفتن در زنجیر اورو و ورشکستگی یونان گردن می‌سپردند. به این گونه، مردم به تیغ دو دمی رأی می‌دادند- به پرتاب شدن به بیرون از حوزه اورو، و یا بازگشت به «دراخما»، ارز نا- ارز، بدون درآخمایی درآمد، نه دارای دارایی و ذخیره یا پیشیزی و نه صنعت و تولید و نه از صادرات خبری؛ جز صنعت گردشگری، که در این دریای بحرانی و توفانی بی گردشگر مانده است! اما، با کوهی بدهی و بهره

و نسل اندر نسل بدهکار بانک‌ها، با کشوری به وثیقه و گرو گذاشته شده. پاپاندرو، با ژستی «مردم گرایانه» به پشت صحنه رفت تا بار دیگر به مصرف آید. اگر هنگام پیوستن یونان به اورو، هر اورو، مثلاً با ده واحد دراخت داد و ستد می شد، با جدا شدن یونان از حوزه اورو، صدها دراختا برای هر اورو باید پرداخت شود. کارگران در یونان، باید دهها بار بیش از گذشته استنمار شوند و با شدت بیشتری و دستمزد دهها بار کمتری به کار و تولید پردازند. با ماندن در حوزه اورو، برای بازپرداخت وام‌ها و بهره‌ها، کارگران، با شدت استنماری فزاینده، با دستمزدهای تا نصف کاهش یافته، با افزایش مالیات‌های مستقیم بر کالا و خدمات (مالیات ارزش افزوده-VAT)، کاهش شدید حقوق بازنشسته گان، با اخراج مستقیم انبوه کارگران و کارکنان به ویژه بخش دولتی، کاهش مرگ‌آفرین بودجه‌های جاری بهداشتی، درمانی، آموزشی، بازپس‌گیری تمامی حقوق و امتیازهای سال‌ها با هزینه‌ی جان هزاران هزار انسان به کف آمده، بازپس‌گیری دست‌آوردهای مبارزات کارگری جهان، از جنبش کارگران بافندگی برای 8 ساعت کار در روز در آمریکا و استرالیای سالهای 1850 گرفته تا قوانین پذیرنده شده‌ی تدافعی کار و کنوانسیون‌های رفرمیستی سازمان جهانی کار و همه و همه چشم اندازی است هولناک در برابر یونان و پرتغال‌ها و دیگر کشورهای وامدار و ناتوان از پرداخت وام‌ها.

یونان با تولید ناخالص داخلی 0.2 تریلیون اورو (دویست میلیارد)، با بدهی خارجی افزون بر 0.4 تریلیون اورو (400 میلیارد) و هر یونانی یوغ 38,073 اورو بدهی خارجی به گردن، مغلوب اسب تروای سرمایه‌ی جهانی است. یونان اینک، با پیکر خون آلود آشیل در میانه‌ی میدان، به خاکستر نشسته است. یونان با نسبت بدهی خارجی به تولید ناخالص داخلی 252% و نسبت بدهی دولتی به تولید ناخالص داخلی 166%² میزان ریسک سی-دی-اس (Credit Default Swaps) هر روز فزاینده‌تر، به پرتگاه کشانیده شده ترین قربانی مناسبات سرمایه‌داری در اروپا است.

با ورود یونان به اتحادیه اروپا، یونان درخواست وام کرد. با فراهم آوردن گزارش مالی و درآمد ناخالص داخلی و سرانه‌ای که کسری و فاصله بسیاری با این تولید ناخالص داشت، با دغل‌کار بنگاه‌های ارزیابی اعتباری در آمریکا (مورگان استانلی)، توانست وام‌های کلان با بهره‌های بالایی

²http://www.bbc.co.uk/persian/business/2011/11/111118_eurozone_debts_interactive_chart.shtml

آدرس بالا را باید فعال کرد تا بدهی و تمامی اطلاعات هر کشور را به دست آورید. منبع: بانک تسویه حساب‌های بین

بگیرد. در حالیکه بهره در آن شرایط پایین بود و وام گیرندگان بسیار. اوراق قرضه یونان با ۱۲/۵ درصد بهره، به فروش گذارده شد. این اوراق، اکنون با ۲۶ درصد بهره، عرضه می‌شود اما در بازار خریداری نمی‌یابد. بهره در یونان اکنون به ۳۶ درصد رسیده است و کمتر کسی در برابر تورم هر روز فزاینده، پول را به بانکی می‌سپارد تا مانند یخ ذوب شود و ارزش کاهنده‌ای را بازستاند.

بانک‌ها حاضر به هیچ ریسکی نیستند. برخلاف ورشکستگی مثلاً کارخانه خودرو سازی فورد، توپاتا و یا خودروسازی «ولوو» می‌توانند بازار گسترده‌تری یابند و حتا رشد کنند، اما، با ورشکستگی یک بانک بزرگ، بانک‌ها و نهادهای مالی، دومینو وار روی هم آوار می‌شوند. اینک، دیگر نه ورشکستگی بانک، که ورشکستگی کشورها در میان است. یونان با بدهی‌های سنگینی به کشورهای حوزه اورو و صندوق جهانی پول و دیگر وام‌پردازان بهره‌های کلان، روی دست بازار مانده است. بیماری یونانی، اما، نه برآمده از حوزه‌ی بومی یا اروپایی، بلکه بحرانی جهان گستر، نه یک اپیدمی، بلکه پاندمیک است. ویروس این بیماری، مرگ آورتر از طاعون سیاه، نه از گزش کک و موش آلوده و انسان، که از استخوان‌بندی سرمایه برآمد، و بار دیگر تهاجمی شد. بانکداران و صاحبان سرمایه‌های مالی کلان و بانک مرکزی آلمان در اروپا، از هجوم طاعون سیاه سرمایه‌داری به اسپانیا و ایتالیا و فردا به بلژیک و فرانسه و ایرلند ووو در هراس افتاده‌اند. اگر تنها یونان بود، با یک اشاره و بیانیه‌ای، از همین سال گذشته، بر لبه‌ی درخما بسته و تا ویرانه‌ی آکروپولیس سرازیر شده بود. بودجه‌ی جاری در یونان، باید از وام‌های گران‌بهره‌ی بنیادهای مالی سرمایه جهانی، ماهانه پرداخت شود؛ قطره چکانی و جیره‌بندی قسطی ماهانه‌ی وام از بانک‌ها به یونان، و گرنه دیناری برای بودجه جاری روزانه و پرداخت حقوق ارتشیان، پلیس و کارمندان در یونان نیست. روز دوشنبه 5 دسامبر (2011)، صندوق بین‌المللی پول، تنها پرداخت مبلغ ۲.۲ میلیارد اورو، آن هم با بهره کلان به یونان در چارچوب برنامه‌ای سه ساله به تصویب رسانید. پاکت مقررات زدایی و درهم فشاری گلوی حکومت شوندگان، فرمان‌های استبدادی ذاتی سرمایه، صادره اینک از سوی صندوق جهانی پول و آلمان، شمشیر «دموکلیسی» است بر فراز سر یونانیان و جهان.

سرمایه‌ها و نقدینه‌های سرمایه‌داران در چرخه‌ی سرمایه مالی در گردش و یا به صورت طلا و اوراق بهادار ذخیره شده و از یونان گریخته‌اند.

«سرمایه عطشی سیری ناپذیر و بی پایان به فرارفتن از موانع محدود کننده‌ی خود دارد. هر مرز برای آن، یک مانع است و باید هم باشد، و گرنه دیگر سرمایه‌ی

پولی که خود را بازتولید می‌کند، نخواهد بود. اگر سرمایه مرز معینی در حکم مانع تلقی نکند، بلکه آن را به عنوان مرز تحمل کند، آنگاه ارزش مبادله‌ای به ارزش مصرفی یعنی از شکل عام (انتزاعی) ثروت به شکل خاص و واقعی آن ثروت فروخواهد کاست.»³

سرمایه برای انباشت و پرهیز از این دگردیسی وارونه، یعنی پرهیز از خروج از چرخه‌ی مبادله به چاه رکود نقدینگی مصرفی صرف، باید مرزها را در نوردد و بازارها را به زیر فرمان آورد. بانک‌ها، ستادها و سنگرهای این خلع مالکیت، تصاحب و اشغال هستند.

بانک مرکزی اروپا، برخلاف فدرال رزرو بانک آمریکا، نمی‌تواند به بیان خود سرمایه‌داران برای «آسان‌سازی کمی» (Quantitative Easing)، به چاپ اسکناس دست زند. آلمان به به‌سان نیرومندترین اقتصاد اروپا، سخت مخالف چنین راهکاری است. یونان، ایتالیا و ایرلند، خواهان این افزایش کمی پول هستند. راه کاری گذرا، همانند تیغی دو دم، و تورم زا، و نیز گشایشی نسبی برای آرام سازی بانکداران بازار کار. آمریکا توانست با این مانور، نفسی بکشد⁽⁴⁾، اما، اروپا قربانی می‌شود. آلمان و فرانسه، این چاره را نمی‌پذیرند، به‌این دید که QE تورم زا و ناقل تورم در دیگر کشورهاست، و بازپرداخت سررسیدها را به خطر می‌افکند، هرج و مرج می‌آفریند و خیزش به بار می‌آورد. بانک‌های اروپایی، دیگر از خرید اوراق قرضه، حتی در برابر بهره‌های افزون بر ۳۰ درصدی می‌گریزند. بانک‌ها و کشورهای وام‌پرداز، وام گیرندگان را به مشت‌های آهنین صندوق جهانی پول، این ارگان جنایت‌بار حواله می‌دهند. حتا بانکداران سوئدی، از خرید این اوراق از صندوق جهانی پول که نسبت به بانک مرکزی اروپا نیز معتبرتر است سخن می‌گویند. صندوق جهانی پول، با بهره‌های افزون بر ۱۲ درصدی، توان آن را دارد که کودتا کند، جنگ افروزد، دولت‌ها را جابجا کند و اصل و فرع را سال‌های سال بر هم افزوده شده حتا چندین برابر از نسل‌های آینده باز پس گیرد.

ورشکستگی یونان، اگر چه سنگین است، اما به‌تنهایی اتحادیه اروپا و حوزه‌ی او رو را به خطر فروپاشی نمی‌افکند. قماربازان بورس و سوداگران سرمایه‌مالی با پرتغال، اسپانیا و ایرلند و ایتالیا هریک یونانی، بارها فاجعه‌بارتر دست به گریبان خواهند بود. بانک‌هایی در آلمان و فرانسه، بیش از همه با اوراق قرضه بهره‌آور سال‌های سال، در هم شکسته یا آسیب می‌بینند. هیچ امیدی به بازگشت پول‌ها از یونان نیست. یونان بدون اقتصاد و درآمد، نسل اندر نسل بدهکار، زیر بار وام و بهره می‌ماند.

³ مارکس، گروندریسه، جلد نخست.

⁴ به بخش هفتم نوشتار بحران از جمله در سایت افق روشن نگاه کنید.

http://www.ofros.com/maghale/mansoran_bohran.htm

دیگر هیچ بنگاهی اوراق قرضه‌ی یونان را بیمه نمی‌کند. سی دی اس‌ها در یونان ناامید و به سوی دیگر کشورهای در آستانه‌ی ورشکستگی کشانید شده راه افتاده‌اند. نرخ بیمه برای اوراق قرضه‌های دولتی یونان افزون بر ۴۰ درصد ارزش اوراق قرضه رسیده است. برای نمونه، اگر شرکت بیمه، اوراقی به ارزش ۱۰ میلیون اورو را بیمه کند، بیمه‌کننده باید ۴ میلیون اورو هزینه‌ی بیمه بپردازد. اعلام ورشکستگی و سازش، تنها راهی است در برابر بانک‌های طلبکار. بانک‌ها و کشورهای منطقه اورو در ماه ژوئیه ۲۰۱۱ پذیرفتند تا اوراق قدیمی قرضه را با اوراق تازه‌ی بلند مدت تر، اما بهره‌های کلان‌تری جابجا کنند، اما از ۲۱ درصد سود پیش‌بینی شده‌ی گذشته، چشم‌پوشند. این پیش‌بینی، حتا با دخالت سوداگرایانه‌ی صندوق بین‌المللی پول، تنها ۲۶ میلیارد از بدهی یونان می‌کاهد؛ که بخش کوچکی است در برابر کل بدهی هر ثانیه فزاینده‌ی یونان که افزون بر ۳۵۰ میلیارد اورو رسیده است. سی دی اس‌ها به سوی دیگر کشورهای در پرتگاه و ناتوان هجوم آورده‌اند و شرط بندی برای ماندن یا ورشکسته شدن این کشورها، سوداگران مرگ را در میدان گلوبالی اسپانیا، به تماشای مرگ ماتادورها و گاوها نشانیده است.

اما انسان در یونان زنده می‌ماند، کارگران، به فتح فردا چشم دوخته‌اند.^۵

این‌جا

پرنده‌گان نمی‌خوانند

ناقوس‌ها خاموشند

و یونان نیز

لب فرو بسته

با تمامی مرده‌گانِ خویش

بر خرسنگ‌های خاموشی

در کار تیز کردن پنجه‌های خویش است

^۵ معاد، یانیس ریتسوس، ترانه سرای پیشرو یونان، ترجمه احمد شاملو.

چرا که یکه و تنها به خود نُوید داده

آزادی را.⁶

بحران در اروپا

بحران مالی اروپا، از سال ۲۰۰۷ شدت یافت. دریای سرمایه جهانی، در این سال بر گستره‌ی زمین به گُسل گرفت و خیزاب‌های آمریکای شمالی، آرام و اطلس را در نوردید و جهان و اروپا را نیز ناآرام ساخت. چین با دیوار هایش با ویژگی‌های خودیژه، از این سونامی گلوبال، گذرا، ایمن ماند و از این آب گل‌آلود ماهی‌های غول پیکر گرفت. اژدهای زرد، دیری نمی‌پاید که روزی خود بی گمان به گرداب می‌افتد. بحران اقتصادی اروپا از قانون بحران ساختاری سرمایه ایمن نماند. بدهی‌های دولتی و خصوصی در کشورهای اروپایی یکی از پی‌آمدهای این بحران و نیز سبب ساز بحران‌های دیگر شد. در پایان سال 2002 بدهی‌های خانوارها و شرکت‌های خصوصی در اسپانیا و ایرلند به ترتیب برابر با 95 درصد و 85 درصد تولید ناخالص داخلی این کشورها گزارش شد. در برهه‌ای ۶ ساله، در پایان سال 2008، بدهی‌ها از مرز 170 درصد و 185 درصد تولید ناخالص داخلی این کشورها افزایش یافت.

اقتصاد ۱۷ کشور اتحادیه اروپای مشترک با ارز مشترک یورو، بر لبه‌ی پرتگاه قرار گرفته و از برلین تا آتن از هلسینکی تا رم به تب و تاب افتاده و زمینگیر شده است. در نشست تعیین کننده‌ی 8 و 9 دسامبر در بروکسل، بانک مرکزی اروپا نرخ بهره را برای دومین بار در دوماه گذشته، ۰/25 درصد کاهش داد و به یک درصد رساند. بانک‌ها اما برای وام‌ها، تضمین و گروبرداری صددرصد می‌خواهند. ده عضو باقیمانده اتحادیه خارج از حوزه یورو، در ردیف انگلستان، با شورش شهری و تسخیر لندن رویارویند. مازاد تراز بازرگانی گنجینه‌ی اصلی اقتصاد اروپا - آلمان - در سال 2010 از 65 میلیارد یورو، یعنی به 50 درصد کمتر از مازاد تراز بازرگانی این کشور در سال 2007 فراتر نرفت. در سال 1980 بازارهای مالی، تنها نیمی از 92 میلیارد دلار بدهی عمومی فرانسه را برآورده می‌ساختند، اکنون، بدهی فرانسه به 1600 میلیارد یورو افزایش یافته و افرون بر 98 درصد این بدهی را بازارهای مالی برآورده می‌کنند. بهره بدهی‌های فرانسه در سال‌های 2010-2011 با میانگینی

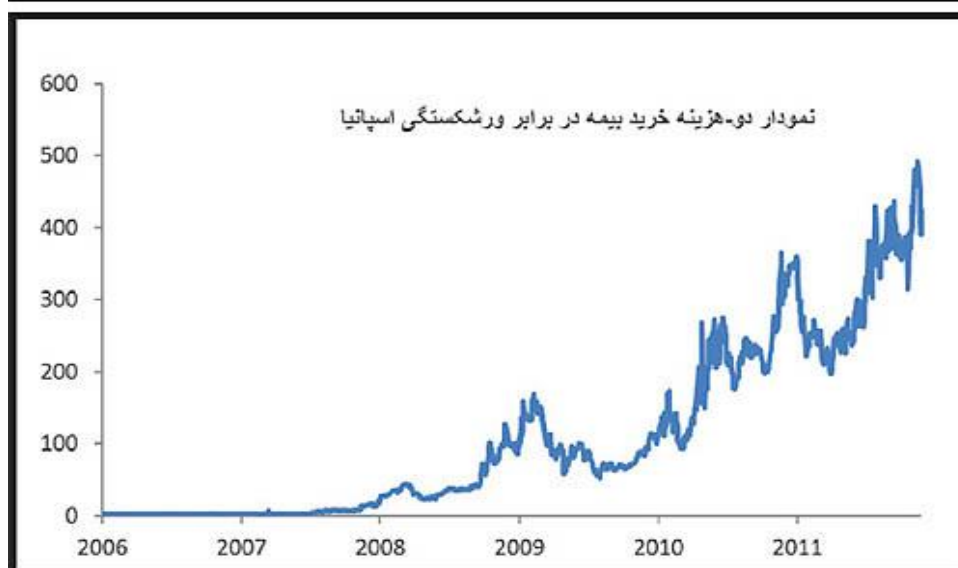
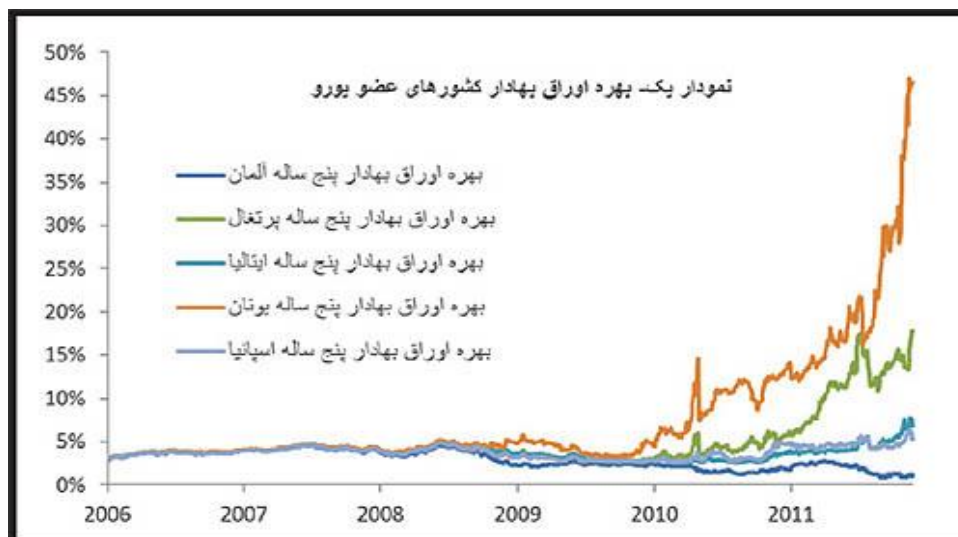
نزدیک به 43 میلیارد اورو گزارش شده بود که بنا به پیش بینی‌های بنگاه‌های سرمایه‌داری، در سال جاری به 45 میلیارد و 400 میلیون اورو افزایش خواهد یافت.

فرانسه با تولید ناخالص داخلی: 1.8 تریلیون اورو، با بدهی خارجی: 4.2 تریلیون اورو دست به گریبان است. یونان، ایتالیا و اسپانیا بدهی‌های عظیمی به بانک‌های این کشور دارند.⁷

نقش بانک‌ها برای نظام سرمایه‌داری حیاتی است، بانک اروپا، در این شرایط، توانایی ایفای همان نقش صندوق جهانی پول را ندارد. تا کنون بانک مرکزی اروپا ۱۳۰ میلیارد دلار برگه‌های قرضه‌های دولتی جهت یاری به کشورهای یونان، ایتالیا ... را خریداری کرده است. در صورت ورشکسته شدن یونان و یا هر کشور بدهکار، بانک مرکزی اروپا، زمین‌گیر می‌شود و کشورهای طلبکار به بحران‌های ژرف‌تری فرو می‌افتند. صندوق جهانی پول، با پشتوانه و توانایی بی‌همانند، در خطر چنین ورشکستگی نیست.

اسپانیا با تولید ناخالص داخلی: 0.7 تریلیون اورو، با بدهی خارجی: 1.9 تریلیون اورو، با بیکاری افزون بر ۲۴٪، در آستانه‌ی شورش سراسری است و تبدیل به یونانی دیگر. بهره‌ی اوراق قرضه اسپانیا در یکماه به ۵/۱ درصد، یعنی دوبرابر افزایش یافت و روز به روز افزایش بیشتری می‌یابد؛ این بهره و اصل را از گلو ی مردم ربوده و پرداخت می‌شود. تا نیمه‌های سال ۲۰۰۷ قیمت CDS اسپانیا ۳ واحد بود، اما در ۷ دسامبر ۲۰۱۱ CDS اسپانیا به مرز ۴۲۵ واحد گزارش رسید، این افزایش روزانه ادامه دارد.

⁷ بانک تسویه حساب‌های بین‌المللی، صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، بخش تحقیقات جمعیت سازمان ملل.
http://www.bbc.co.uk/persian/business/2011/11/111118_eurozone_debts_interactive_chart.shtml



منبع: بلومبرگ

بریتانیا- ایرلند

بریتانیا با تولید ناخالص داخلی: 1.7 تریلیون اورو، بدهی خارجی: 7.3 تریلیون اورو، نسبت بدهی خارجی به تولید ناخالص داخلی 436% می باشد. بریتانیا، به طور عمده بدهکار آلمان و بستانکار اصلی از ایرلند، ایتالیا و پرتغال، اما برخوردار از پشتوانه تولیدی و ارزی و اقتصادی نیرومندتری است. این توانمندی، در گرو ناتوانی و فلاکت از جمله حکومت شوندگان و طبقه کارگر در ایرلند است. ایرلند، با تولید ناخالص داخلی: 0.2 تریلیون اورو بدهی خارجی: 1.7 تریلیون اورو و در برابر 390,969 اورو بدهی خارجی به ازاء هر نفر، نسبت بدهی خارجی به تولید ناخالص داخلی افزون بر 1093% می باشد.

آلمان- ایتالیا

در نوامبر ۲۰۱۱، برلوسکونی و دولتش همانند یلتسین روسی که جوکر کارگزاران سرمایه بود و به پوتین جای سپرد،^۸ با چهره‌ی نفرت بار، آیینی تمام‌نمای آنسوی سکه سران سیاسی سرمایه، باید به کناره می‌رفت. ماریو مونتی، کمیسیونر پیشین اروپا، فن‌گرای نماینده سرمایه‌مالی، باید جایگزین می‌شد شاید که از سقوط ایتالیا جلوگیری کند.

ایتالیا با وام ده ساله با بهره ی 7,41 درصد و وام یک ساله ی 18,15 درصد بهره در آستانه‌ی یونانی دیگر است؛ اما با بنیاد اقتصادی هنوز پایدارتر. ایتالیا، زیر بار وام‌ها و بهره‌های سنگین در بحران دست پا می‌زند. در ایتالیا، دولت از ارزش افزایی کارگران و ربایش از هزینه مردم، در برابر وام پنج ساله، نرخ بهره ۶/۷ درصدی پرداخت کرد، در حالی که بهره پرداختی آلمان تنها ۱/۱ درصد بود (اکنون ۲/۵ درصد).

در آخرین هفته ژانویه ۲۰۱۲، ایتالیا باید برای بیش از ۳۰ میلیارد اورو (۴۰ میلیارد دلار) اوراق قرضه خود، سرمایه برآورده سازد. اما اگر، بازارها از خرید این اوراق قرضه خودداری کنند یا بانک مرکزی اروپا به میدان نیاید، بازپرداخت بدهی‌های سومین وام‌گیرنده بزرگ جهان، نه تنها ایتالیا که اروپا را به بحران اقتصادی، سیاسی و ویرانی فرو می‌برد. پارلمان ایتالیا طرح برلوسکونی را تصویب نکرد؛ لایحه رفعم اقتصادی، صرفه‌جویی و انقباض گلوی مردم، در ایتالیا خطر خیزش سراسری را در پی دارد. دولت، ناتوان مانده باید جای خود را به جایگزینی دیگر می‌سپرد.

دولت جدید، در ایتالیا روز چهارشنبه ۷ دسامبر ۲۰۱۱، با هیاهو در پارلمان، لایحه‌ای را تصویب کرد که بر مبنای آن سی میلیارد اورو به بازپرداخت بدهی‌ها می‌پردازد. چنین وانمود شده بود که این همان درخواست اتحادیه اروپاست که ماهانه می‌بایست پرداخت شود. روزنامه دی ان سویدی^(۹)، روز پنج شنبه فاش ساخت که این یک تردستی است، زیرا که ده میلیارد از این سی میلیارد، مربوطه به وام‌ها و بهره‌های سررسید گذشته‌ی سال‌های پیش است. بیست میلیارد اورو باقیمانده نیز نه ماهانه، بلکه سه ساله است که در صورت تحقق این وعده، سالانه کمتر از ۷ میلیارد اورو پرداخت خواهد شد!

در پیوند با وام‌پردازی و برخورد به بدهی ایتالیا، مرکل به پارلمان کشانیده شد. سیاستمداران سرمایه مالی و سیاستمداران دولتی، رویاروی هم قرار گرفتند. ایتالیا برای پرداخت بخشی از بدهی‌ها از

^۸ نگاه شود به‌نوشته‌ی نئو تزاریسیم، زیر عنوان کیمیای هنر و دین در ترمیم انحراف تاریخ، صفحه 81 از کتاب *ماورای تاریخ تا ماورای سیاست*، نگارش علی محمد اسکندری جو، چاپ انتشارات آلفابت ماکزیم استکهلم 2011.

^۹ Dagens Nyheter 7 dec.2011

پیش‌برد سیاست انقباض مالی و فشار ناگهانی برگرده مردم، به سوی فروش اوراق قرضه روی آورد. این روی‌کرد، خطر انفجاری اعتراض سراسری را کاهش می‌داد. سرمایه مالی در آلمان خواهان مشت آهنین بانک‌ها بود. به همین سبب «یورگان استارک» آلمانی عضو هیئت مدیره بانک مرکزی اروپا در اعتراض به سیاست دولت مرکل استعفا داد. بی‌درنگ در همان لحظه، بورس ۴.۳ درصد کاهش یافت. سیاست پولی و سیاست مالی (فینانس پولیتیک و مونی پولیتیک)، رویاروی هم ایستادند. دادگاه عالی آلمان به مرکل رأی داد، مرکل برای بازار سرمایه، کارگزار پرتلاش و وفاداری است، به او یادآور شدند که از این به بعد، مجریان سرمایه در دولت، سیاست‌ها و امپردازی به ویژه یونان را باید همانند آمریکا با پارلمان هماهنگ سازند.

این رویداد در سیستم روبنایی آلمان، بیانگر ناتوانی دولت در پاسخگویی به بحران و از سوی دیگر ژرف‌تر شدن اختلاف بین قدرت اجرایی سرمایه، سرمایه‌مالی و تولیدی در آلمان است.

ارزش سهام شرکت‌ها و بانک‌های ایتالیایی کاهش پرشتابی گرفته است. بهره‌ی بدهی‌های سنگین دولتی هنگامت است. برای کشاندن چین و برخی کشورهای شرق آسیا، «ویتوریو گرلی» مدیرعامل وزارت دارائی ایتالیا در آغاز ماه اوت به پکن و سنگاپور روی آورد تا سرمایه‌داران را به خرید اوراق قرضه و سهام ایتالیا همراه سازد. آمار منتشره بانک مرکزی چین نشان می‌دهد که ذخیره ارزی چین همچنان رو به افزایش است. بر پایه‌ی ارزش‌افزایی نیروی کار، انباشت سود مافوق از مبادله و سوداگری جهانی سرمایه، بانک مرکزی چین ذخیره ارزی این کشور را در سپتامبر ۲۰۱۱، افزون بر سه هزار و دویست و یک میلیارد و هفتصد میلیون دلار (3,201.7) گزارش داده است. بنا به این گزارش، ذخیره ارزی چین در سال ۱۹۷۷ مبلغی نزدیک به 2.3 بلیون دلار گزارش شده است.¹⁰

چین اکنون بالاترین ذخیره ارزی جهان را در اختیار دارد. برای تپه‌های سرمایه در چین، چاه‌های زمینی ایتالیا دهان گشوده است. «گرلی» در برابر سرمایه‌گذاران و بنگاه‌های اقتصادی همانند شرکت «سرمایه‌گزاری» (اینوستمنت کوپوریشن) چین گفت: از آنجا که نرخ بهره اوراق قرضه‌های دولتی ایتالیا در حال حاضر بسیار بالاست، اوراق قرضه را می‌توان به بهای نازل خریداری کرد. سوداگران دوراندیش چینی پرسیدند: اگر این داد و ستد تا این اندازه سودآور و بی‌خطر است، چرا بانک‌های اروپایی آنها را نمی‌ربایند و چرا بانک مرکزی اروپا خود را کنار می‌کشد؟⁽¹¹⁾ چینی‌ها پای پیش

¹⁰ Source: State Administration of Foreign Exchange, People's Republic of China and the People's Bank of China (منبع: اداره ارز خارجی، جمهوری خلق چین و بانک خلق چین)

¹¹ <http://www.spiegel.de/politik/ausland/0,1518,786044,00.htm>





نگذاشتند و به «ایتالو - بوندز» نزدیک نشدند. بانک‌های اروپایی بخشی از این اوراق را خریداری کردند، اما لاشخوران بر فراز بام رم و «کلوسیوم» در پروازند. اشیگل در ادامه می‌نویسد: ایتالیا سخت بدهکار است. بدهی ایتالیا به ۱۹۰۰ میلیارد اورو افزایش یافته، اعتماد به توانائی ایتالیا برای بازپرداخت بدهی‌های خود، روبه‌کاهش و نرخ بهره سنگین است. سران گروه ۲۰، روز ۱۳ آبان ۱۳۹۰ همایش دو روزه‌ی خود را در شهر «کان» فرانسه به پایان بردند. جدا از نمایندگان کشورهای گروه بیست، سازمان جهانی کار، سازمان ملل، بانک جهانی و صندوق جهانی پول، ناظرینی از امارات متحده عربی، و برخی کشورهای دیگر، به جستجوی مهار بحران، مهار جنبش کارگری و ضد سرمایه‌داری در سراسر جهان، به نشست فراخوانده شده بودند، اما بدون دستاورد به کنام‌های خود بازگشتند.

اروپا باید آلمانی شود

دستها به سوی آلمان دراز شده است. آلمان با ذخیره ارزی و پشتوانه ای کلان، در اروپا، تنها کشور نیرومندی است که در برابر این بحران ایستادگی می‌کند. آلمان برای پرداخت وام‌های ویرانگر، وثیقه می‌خواهد. آلمان می‌خواهد که رم را برلنی کند، یا به بیان دیگر، ایتالیا و یونان را آلمانی کند. مرکل بر آن است که آلمانی، آلمانی است، یونان برای ماندن باید به قانون سرمایه در آلمان درآید. صدر اعظم آلمان، به زبان دیپلماتیک، همان مفهوم هیتلریک سرمایه را به کار می‌برد اما با نوایی دیگر. صدر اعظم آلمان می‌گوید: «کشورهای عضو واحد پولی اورو باید موارد کنترل و دقت بیشتری روی بودجه خود داشته باشند و در صورتی که با کسری بودجه روبرو شوند، مشمول تحریم‌ها قرار گیرند.» این پیش از آخرین نشست سران اتحادیه اروپا در هشتم و نهم دسامبر ۲۰۱۱ بود. هشتم و نهم دسامبر، نیز سازش فرانسه- آلمان را اعلام و سران اتحادیه را در برابر پرسش و تصمیمی دشوار روبرو ساخت؛ مارس ۲۰۱۲ نشست سرنوشت ساز اورو و اتحادیه اروپا، «از این ستون به آن ستون» دیگری برای گریز از فروپاشی است.

نقش بانک‌ها برای نظام سرمایه‌داری حیاتی است، بانک اروپا، در این شرایط، توانایی ایفای همان نقش صندوق جهانی پول را ندارد. تا کنون بانک مرکزی اروپا ۱۳۰ میلیارد دلار برگه‌های قرضه‌های دولتی جهت یاری به کشورهای یونان، ایتالیا ... را خریداری کرده است. در صورت ورشکسته شدن یونان و یا هر کشور بدهکار، بانک مرکزی اروپا، زمین‌گیر می‌شود و کشورهای طلبکار به بحران‌های ژرف‌تری فرو می‌افتند. صندوق جهانی پول، با پشتوانه و توانایی بی‌همانند، در خطر چنین ورشکستگی نیست.

نمودار زیر، نشان‌دهنده ذخیره ارزی بیست کشور از بیست منطقه بزرگ سرمایه‌داری را به نمایش می‌گذارد:¹²

Rank (ردیف)	Country (کشور)	Billion USD (end of month) (میلیارد دلار آمریکا در پایان ماه)
1 چین	 People's Republic of China	\$ 3,201 (Sep 2011)
2 ژاپن	 Japan	\$ 1,138 (Jun 2011)
3 روسیه	 Russia	\$ 516 (Sep 2011)
4 عربستان سعودی	 Saudi Arabia	\$ 484 (Aug 2011)
5 تایوان	 Republic of China (Taiwan)	\$ 400 (Aug 2011)
6 برزیل	 Brazil	\$ 352 (Aug 2011)
7 هندوستان	 India	\$ 320.39 (Nov 4 2011)
8 کره جنوبی	 South Korea	\$ 311 (Jul 2011)
9 سویس	 Switzerland	\$ 289 (May 2011)
10 هنگ کنگ	 Hong Kong	\$ 277 (Jun 2011)
11 سنگاپور	 Singapore	\$ 249 (Jul 2011)
12 آلمان	 Germany	\$ 231 (Jun 2011)
13 تایلند	 Thailand	\$ 186 (Jul 2011)
14 فرانسه	 France	\$ 182 (May 2011)
15 الجزیره	 Algeria	\$ 175 (Dec 2010)
16 ایتالیا	 Italy	\$ 170 (May 2011)
17 ایالات متحده آمریکا	 United States	\$ 143 (Jul 2011)
18 مکزیک	 Mexico	\$ 140 (Nov 2011)
19 مالزی	 Malaysia	\$ 134 (Jun 2011)
20 اندونزی	 Indonesia	\$ 122 (Jul 2011)

ادامه دارد

حلقه استکهم

عباس منصوران a.mansouran@gmail.com

نیمه نخست دسامبر ۲۰۱۱ / آذرماه ۱۳۹۰

¹² http://en.wikipedia.org/wiki/Foreign-exchange_reserves

